

متن پرسش

با سلام محضر استاد عزیز و گرانقدر بنده خودم را کوچکتر از آن می بینم که بخواهم به حضرت عالی انتقادی کنم ویا تذکری بدهم اما مسائلی پیش آمده که لازم دیدم تا آنها را بها شما در میان بگذارم: از چندین سال پیش با شما وجلسات تفسیر قرآن شما آشنا شدم و مرتبا در جلسات حاضر می شدم و استفاده می بردم و این حضور من در این جلسات مرا با تعدادی از شاگردان پرو پا قرص و ثابت درسهای شما آشنا کرد.به تبع آن باعث شد تا ما در بین هم به مباحثه بپردازیم ، اما پس از مدتی دچار اختلافات زیادی شدیم و چون در زندگی من اخلال ایجاد کرده بود و من فکر می کردم ظرفیت این گونه مباحث را ندارم راهم را جدا کردم و چون فکر میکردم آنچه شما میگویند و شاگردانتان بر آن حاشیه می زنند افراط است از جلسات دور شدم و دیگر به جلسات نیامدم ولی ارتباطم را هم قطع نکردم بخصوص با همان شاگردان همیشه بحث که نه بلکه جدل داشتم واز موضع مخالف با آنها روبرو میشدم به عبارت دیگر همیشه حرفهایشان را نقد میکردم .اکنون پس از چند سال با دیدی دیگر و همتی بالاتر برگشتم و دوست دارم مباحث را ادامه دهم اما در تمام این مدت احساس میکنم جای یکسری مطالب در در مباحث شما خالی است !!! همان چیزهایی که من به عنوان منتقد به آنها میگفتم و در درستی آن اطمینان داشتم اما چون آنها یکطرفه قضاوت میکردند دچار اختلاف میشدیم بگذارید اندکی توضیح دهم . من با بعضی از این شاگردان رفت و آمد خانوادگی هم دارم و از اختلافات شدید بین آنها و همسرانشان اطلاع دارم . با آنکه همسرانشان مومنه و موقر هستند و کوتاهی در شوهر داری نمیکنند رفتار های خشک و بی روحی را از شوهرانشان مشاهده میکنم و حتی توسط همسرانشان به همسر من رسیده است .جدیدا خبری از تعداد دیگری از شاگردان شنیده ام که امیدوارم درست نباشد بعضی از آنها کارشان به طلاق رسیده است به خاطر دین !!!! به زنان خود میگویند شما کند ذهنید ، مطالب استاد را نمی فهمید ، به آنها میگویند اگر میخواهید مطالعه داشته باشید مطلقا باید کتب و سخنرانیهای استاد را گوش دهید و امثال این موارد که کم نیست . به طور کلی دیدشان نسبت به زن فقط یک ابزار است برای تولید نسل . وقتی برای آنها حدیث رفتار خوب با همسر می آورم می گویند منظور از این حدیث فلان است و فلون نیست!! میگویند تو نمی فهمی این حدیث جنبه قدسی دارد و تو داری احادیث را مادی میکنی و پای احادیث را میکشی و پایین می آوری بعضی اوقات چنان از موضع حق وارد میشوند که انگار هیچکس به جز آنان پای درس شما ننشسته است . این حرف من نیست بسیار دیگری را میشناسم که این حرف را تایید میکنند من نمیگویم اشتباه میگویند ولی میدانم اشتباه عمل میکنند اصلا مگر هدف از این درسها و بحثها مگر جز

این است که دینداری وارد زندگی ما شود به قول خودتان دینداری کنیم نه دین دانی؟ بسیاری از فامیلها و نزدیکان این شاگردان را می‌شناسم که وقتی رفتار و برخورد پر از خشم و حالات افسرده آنان را می‌بینند می‌گویند اگر دین این است ما این دین را نمی‌خواهیم البته که اقربا و آشنایان اینها اکثرا مسلمان اند و مقید و نه دور از منبر و وعظ. با بعضی از آنها به خاطر آشتی دادن همسرانشان صحبت کرده ام می‌گویند " ما استاد را می‌شناسیم بعضی از کتابهایش را هم خوانده ایم خیلی منطقی و مستدل است ما میدانیم خود استاد اینگونه نیست اما این شاگردانش کاسه داغ تر از آش شده اند" حتی یکی از همسرانشان گفته بود از بس مرا مجبور به کاری میکند و همیشه دنبال نماز جمعه و جلسه استاد و مباحثه است که دارم از هرچه دین است زده میشوم اکنون که بررسی کرده ام می‌بینم راست می‌گویند حرف هیچکس را به جز شما قبول ندارند، یکطرفه به قاضی می‌روند، خود را بر حق می‌دانند و طرف مقابل را هر کس می‌خواهد باشد باطل، به راحتی علما دیگر نظیر آیت ا.. خاتمی (امام جمعه تهران)، حاج آقا عالی؛ حاج آقا قرائتی، حاج آقا پناهیان آیت الله مکارم و امثالهم و حتی شهید مطهری را هم زیرسوال می‌برند و به حرفهای شما استناد میکنند می‌گویند استاد در میدانم کوه یا فلان جلسه خاص گفته است فلان!!!، با درس و دانشجو به طور کلی مخالف اند، همه فعالیتهای زندگی را که شاید وظیفه شان باشد کنار گذاشته اند، دائم در اتاقی می‌نشینند و سی دی و بحثهای شما را گوش میدهند، می‌گویند این سی دی خاص است از آقای توسلی یا میدانم توکلی گرفته ایم تا معاد را کار نکنید به شما نمیدهیم، به زن و بچه و خواسته هایشان توجه ندارند و تا مجبور نباشند به داد این بیچاره ها نمی‌رسند، دائما نماز خواندن را کار می‌دانند و اندکی در کار منزل به همسر کمک کردن را کار نمیدانند. به همکاران و نزدیکان بیش از حد تذکر میدهند و به هر چیز کوچکی گیر میدهند حتی مستحبات تذکر طوری نیست ای کاش با اخلاق نرم و روش درست می‌گفتند با تندی می‌گویند و می‌روند حتی نمی‌ایستند حرف و انتقاد طرف مقابل را گوش دهند، اخیرا نیز دنبال افراد با نفوذی می‌گشتند تا بواسطه آنها به سوریه بروند و شهید شوند میدانم من که مدتی از بحثهای شما دور بوده ام اما فکر نمی‌کنم این چیزها را شما به آنها یاد داده باشید. شاید آنها تفکر را کنار گذاشته و مقلد محض شما شده اند. و یا مطالب را بد برداشت کرده اند یا شاید من اشتباه میکنم به هر حال شما را به خدا کاری بکنید و یا حرفی بزنید شاید به شما گوش دهند. هر چه به آنها می‌گوییم مانند کامپیوتر از ذهنشان جمله ای از شما استخراج میکنند و جواب ما را میدهند حتی وقتی می‌گوییم بروید پیش یک مشاور مذهبی که خودتان قبول دارید می‌گویند ما مگر مشکلی داریم!!! همسرانمان باید خودشان را برسانند!!! خواهش میکنم مرا ببخشید قصد جسارت ندارم اما فکر میکنم انطور که باید در مباحثتان جنبه های مختلف یک بحث را بیان نمیکنید. و یا شاید به این امید که خودشان مد نظر قرار میدهند کم رنگ بیان میکنند و زود رد میشوند. شاید هم به توضیح بیشتری نیاز دارد میدانم شاید هم من اشتباه میکنم. به هر حال مردم به این زندگی ها نگاه میکنند و نتیجه ای که میگیرند این است که دیندارها یا ریش دارها همین اند زندگی همسرانشان را زهر مار میکنند برای خواسته های خودشان. از

شما تقاضا دارم این مباحث را مستقیم روی سایت قرار ندهید و حداقل به خود من بگویید تا تکلیفم را بدانم که آیا این رفتارها دلیل دینی دارد و ما نتوانسته ایم هضم کنیم و یا اینکه باید در خودشان تجدید نظر کنند؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: افراط و تفریط در هر حال بد است بنده هم شنیده‌ام عده‌ای از افرادی که در جلسات بنده حاضر می‌شوند همین‌طور هستند که شما می‌فرمایید در حالی که نه دین خدا چنین رفتاری را قبول دارد و نه بنده این‌طور عمل می‌کنم. نمی‌گویم بعضی از خواهران انتظارات بیش از حد ندارند، ولی حقیقتاً این افراد که خودشان را به ظاهر مرید بنده می‌دانند مشکلی برای بنده و خودشان و مباحثی که مطرح می‌شود ایجاد می‌کنند در حالی که هیچ‌کس غیر معصوم نباید حجت باشد. بحث‌های بنده در کنار بحث‌ها و دستورات سایر سخنرانان و نویسندگان می‌تواند مفید باشد ولی اگر سخنان بنده مطلق شود و افراد بدون آن که تفکر کنند آن را بپذیرند فایده‌ای برای افراد ندارد. بنده سعی دارم با عقل مخاطبانم حرف بزنم و نه با احساساتشان و امید دارم آن‌ها نیز با عقل‌شان روی عرایض بنده فکر کنند و جوانب قضایا را بسنجند و عمل کنند. در راستای گله‌ای که از بعضی از این آقایان داشتم □ هرچند عمومیت ندارد- در جلسه‌ی (جلسه ۲۴) دعای مکارم‌الاخلاق بحثی تحت عنوان «خانواده مرکز صمیمیت» کمی روی حقوق زن و تلاش برای صمیمیت در خانواده داشتم که دوستان آن بحث را بر روی صفحه‌ی اول سایت قرار دادند. خلاصه بنده هم از دست بعضی از این مریدها گله‌مندم هرچند معتقدم بعضاً همسران آن‌ها نیز انتظاراتی از شوهرانشان دارند که انتظارات بیش از حد اعتدال است. موفق باشید